



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

هداية الطالبين

ترجمه و شرح آداب المتعلمين
میرحوم خواجہ جلووسی

سید محمود موسوی مدرس فی حدیث

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هداية الطالبين: في شرح آداب المتعلمين

نويسنده:

سيد محمود موسوي دهرخي اصفهاني

ناشر چاپي:

ميرفتاح

ناشر ديگيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	هدایة الطالبین: فی شرح آداب المتعلمین
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۰	مرحوم خواجه می فرمایند:
۱۱	فصل اول: در بیان علم و فضل
۲۴	فصل دوم: در نیت است
۳۱	فصل سوم: در اختیار علم و استاد
۴۳	فصل چهارم: در جدیت و مواظبت و همت
۵۲	فصل پنجم: در ابتداء شروع بدرس و مقدار و ترتیب
۶۳	فصل ششم: در توکل است
۷۲	فصل هفتم: در اوقات تحصیل
۷۴	فصل هشتم: در مهربانی و نصیحت و اندرز کردن
۸۰	فصل نهم: سزاوار است که طالب علم همیشه اوقات دنبال استفاده علمی باشد
۸۳	فصل دهم: در ورع در تعلم
۹۱	فصل یازدهم: در چیزهاییست که موجب حفظ و نسیان می شود
۹۴	فصل دوازدهم: در اموریست که موجب زیاد شدن رزق و عمر
۱۰۰	تقریظ استاد معظم حضرت آیه الله فانی قدس سره
۱۰۲	فهرست
۱۰۵	درباره مرکز

هداية الطالبين: في شرح آداب المتعلمين

مشخصات كتاب

سرشناسه: موسوی ده سرخی اصفهانی، محمود، - 1305

عنوان و نام پدیدآور: هدایة الطالبین: فی شرح آداب المتعلمین / تالیف محمود موسوی دهرسخی اصفهانی

مشخصات نشر: تهران: میرفتاح، 1389.

مشخصات ظاهری: 96ص. 12×17 س م.

یادداشت: چاپ چهارم

شماره کتابشناسی ملی: 2822436

کتابخانه عمومی حضرت آیت الله دهرسخی (رحمة الله علیه)

همراه: 09123519832

تلفن: 025-37745149

آدرس: قم - خیابان معلم - کوچه 12 - پلاک 46

هدایة الطالبین فی شرح آداب المتعلمین

مترجم و شارح: سید محمود بن سید مهدی موسوی دهرسخی اصفهانی

ناشر: میرفتاح

چاپخانه: نهضت

نوبت چاپ: پنجم / پائیز 1389

شمارگان: 1000

شابک: 978-964-8489-37-8

حق چاپ مخصوص مؤلف می باشد.

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ص: 1

اشاره

ص: 1

کتابخانه عمومی حضرت آیت الله دهرخی (رحمة الله عليه)

همراه: 09123519832

تلفن: 025-37745149

آدرس: قم - خیابان معلم - کوچه 12 - پلاک 46

هدایة الطالبین فی شرح آداب المتعلمین

مترجم و شارح: سید محمود بن سید مهدی موسوی دهرخی اصفهانی

ناشر: میرفتاح

چاپخانه: نهضت

نوبت چاپ: پنجم / پائیز 1389

شمارگان: 1000

شابک: 978-964-8489-37-8

حق چاپ مخصوص مؤلف می باشد.

ص: 2

بسم الله الرحمن الرحيم

وعليه توكل

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على خير خلقه محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على أعدائهم أجمعين الى يوم الدين.

أما بعد چنین گوید محمود بن سید مهدی موسوی دهرخی اصفهانی غفرالله ذنوبهما که این رساله ایست پرفائده بامر استاد أعظم حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای سید علی علامه فانی اصفهانی سلمه الله نگاشته شد در ترجمه و شرح آداب المتعلمین مرحوم خواجه طوسی رحمة الله باضافه یکصد و سی حدیث مقتبس از اصول کافی و خصال صدوق و مشکوة الانوار طبرسی و وسائل الشیعه که مشتمل است بر مختصر وظائف طلاب دینی حفظهم الله و نامیدم آنرا بهدایة الطالبین فی شرح آداب المتعلمین.

ص: 3

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله على آلائه وأشكره على نعمائه والصلوة على سيد أنبيائه. چون بر بسیاری از طلاب دینی طلب علم میسور نیست اگر چه جدیت هم داشته باشند و نفعی از ثمرات آن نمی برند اگر چه مشغول بان هم باشند بعلت آنکه راه را خطا رفته و شرائطش را ترک نموده اند و معلوم است هر کس راه را اشتباه کند گم راه شده بمقصد نمی رسد لذا خواستم طریق تعلم و طلب نمودن علم را بطور اختصار و همانطوریکه در کتب و از استادان دیده و شنیده ام بیان نمایم پس مقصود خود را در (دوازده فصل) بیان می کنم.

فصل اول: در بیان علم و فضل

در بیان علم و فضل آن است بدانکه رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود طلب نمودن علم بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است (1) و اینجا مراد از علم - علم

ص: 5

1- (1) ایضا از آن حضرت منقول است که فرمود طلب علم واجب است بر هر فرد مسلمان آگاه باشید بدرستی که خدای عزوجل دوست می دارد طالبان علم را. (2) و از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام سؤال شد که آیا بر مردم جایز است سؤال نکنند از آنچه باو محتاجند فرمود خیر (جایز نیست) (3) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود دوست نمیدارم جوانی را ببینم مگر آنکه در دو حالت صبح کند یا عالم باشد و یا متعلم پس اگر این کار را نکرد تفریط کرده و اگر تفریط نمود ضایع می کند و اگر ضایع کرد معصیت نموده و اگر معصیت نمود ساکن در آتش است. بحق آن خدائی که محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) را براستی فرستاد (4) و ایضا از آن حضرت منقول است که فرمود طلب کردن علم واجبی است از واجبات خدا (5) و از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) منقول است که فرمود هر کس یکساعت بر ذلت تعلم صبر نکرد همیشه در ذلت جهل می ماند (6) و از امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که فرمود ای مردم بدانید کمال دین در طلب علم و عمل باوست آگاه باشید که طلب نمودن علم واجب تر است از طلب نمودن مال بدرستی که مال بین شما قسمت شده و ضامن است برای شما و قسمت نموده آن را عادلی بین شماها و چون ضامن شده البته وفا بضمآن خود می کند ولیکن علم اینطور نیست بلکه نزد اهلش سپرده اند و امر شده ایداز اهل آن طلب کنید پس طلب نمایند آنرا (7) و نیز در کافی منقول است که جناب علی بن ابی حمزه فرمود شنیدم که حضرت صادق (علیه السلام) می فرمودند علم آموزید در دین. پس کسیکه علم نیاموزد از شماها در دین او بادیه نشین است که خداوند در کتاب خود می فرماید لِيَتَّقَهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ یعنی باید تقوه در دین کنند و جماعت خود را بترسانند چون بسوی ایشان بازگشت کنند شاید ایشان بترسند (8) و ایضا در کافی از مفضل بن عمر منقول است که فرمود شنیدم حضرت صادق (علیه السلام) می فرمودند بر شما باد بطلب نمودن علم در دین خداوند و مانند بادیه نشینان نباشید که چون کسی در جستجوی علم نباشد خداوند هم روز قیامت باو نظر رحمت نمی کند و هیچ عملی را از او نمی پذیرد (9) و ایضا در کافی از محمد بن عیسی منقول است که گفت عرض کردم خدمت حضرت صادق (علیه السلام) فدایت شوم مردیست که شیعه است ولی ملازم خانه خود شده و کناره گیری را اختیار کرده و به احدی از برادران ایمانی خود رفت و شد نمی کند آن حضرت فرمودند پس چگونه تقوه در دیانت نموده و علم دین را فرا می گیرد، مرحوم فیض فرموده این حدیث دلالت می کند که کناره گیری از شخص جاهل بامور دینی ممدوح نیست بلکه حرام است چون مستلزم فوت واجب است که تعلم و تقوه باشد. (10) و در تفسیر برهان از حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیهما السلام از پدرش از جدش رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت نموده که آن حضرت فرمود طلب علم واجب است بر هر مسلمانی پس علم را از محلش طلب کنید و از اهلش اقتباس نمایند بدرستی که یاد دادن علم برای خدا حسنه است و یاد گرفتن آن عبادت و مذاکره نمودنش ثواب تسبیح دارد و یاد دادن آن به نادانان صدقه است و به اهلش عطا نمودن موجب نزدیکی با خدا است زیرا که بعلم دانسته می شود حلال و حرام خدا و موجب وضوح و روشنی راه بهشت است و مونس در وحشت و رفیق در غربت و همزبان در خلوت است و راهنما است در شادی و غم و حربه است برای دفع دشمن و زینت است نزد دوستان و خدا بعلم جماعتی را بلند خواهد کرد که ایشان پیشوایان بوده باشند در خیر و مردم پیروی ایشان نمایند و بافعال و کردار ایشان هدایت یابند و بقول آنان عمل کنند و ملائکه رغبت می نمایند در دوستی آنها و آنان را ببال خود نوازش می دهند و در هنگام نماز بر ایشان استغفار میکنند هر تر و خشکی حتی ماهیان دریا و درندگان صحرا و علم باعث حیات دلهاست از جهالت و بینائی دیدگان است از

ظلمت و قوت بدن‌ها است از ضعف و شخص را بمنازل برگزیدگان الهی میرساند و داخل مجلس نیکوکاران و درجات عالیہ دنیا و آخرت می‌نماید و تذکر و تفکر در آن برابر روزه داشتن و مباحثه اش ثواب نماز گذاردن را دارد بعلم اطاعت و بندگی خدا و صلہ رحم میشود و حلال و حرام دانسته گردد علم پیشوای عمل و عمل تابع اوست علم بسعدا الهام شده و اشقیاء از آن محرومند خوشا به حال کسی که از آن بهره‌ای گرفته و محروم نشده باشد و فرمود عالم در میان جهال مانند زنده است در میان مردگان. ره و رسم دانش برو یاد گیر *** که در علم و بینش شوی دل پذیر

حال است یعنی علمیکه طلب کننده باو محتاج است در هر حال که میرساند او را بسوی نفع آخری چنانچه گفته شد افضل علمها علم حال است و بهترین عملها حفظ و نگاه داشتن آخرت پس بر هر طالب علمی واجب است آنچه که مصلحت بحالش دارد تحصیل نماید و شرافت علم بر احدی مخفی نیست چون همان علم است که مختص بانسان میباشد بجهت آنکه

ص: 10

تمام خصلتها سوای علم مشترک است بین انسان و سائر حیوانات مثل شجاعت و قوت و شفقت و مهربانی و غیر اینها و بواسطه علم بود که خدای تبارک و تعالی شرافت و فضیلت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام را بر ملائکه اش ظاهر گردانید و آنها را برای آدم امر بسجده نمود دیگر آنکه بواسطه علم انسان به سعادت همیشگی میرسد اگر عملش بر طبق علمش واقع شود. پس علمی که بر مکلف واجب عینی است واجب است تحصیل کند و اگر کوتاهی نمود مجبورش میکنند که یاد بگیرد و اما علمیکه در بعض اوقات انسان باو محتاج میشود آن واجب کفائی است و اگر بعض از مکلفین مشغول بواجب کفائی شوند از دیگران ساقط میشود. (مثل اینکه یک جنازه روی زمین باشد بر هر مکلفی واجب کفائی است که او را دفن کند ولی اگر بعضی متکفل آن شدند از دیگران تکلیف ساقط می شود) و اگر در جایی کسی نباشد که

ایستادگی کند بواجب و آن واجب آورده نشود بر همه واجب است که آن را تحصیل نمایند و بعضی از بزرگان فرموده اند علمی که نفعش بخود شخص بر میگردد در هر حال آن علم مثل آب و نان است که بر همه لازم است آن را بدست آورند و علمی که نفعش در بعضی اوقات است مانند دواء که گاهی انسان به آن محتاج می شود و علم ستاره شناسی مانند مرض است پس یادگرفتنش حرام است (چنانچه اخبار بسیاری هم در مذمتش وارد شده) (1) چون علم ستاره شناسی ضرر

ص: 12

1- (11) من جمله روایت قاسم بن عبد الرحمن است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نهی فرمود از چند خصلت یکی از آنها نظر کردن در ستاره بود. (12) و از ابی الحصین منقول است که گفت شنیدم حضرت صادق علیه السلام میفرمود از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) سؤال شد از ساعت (قیامت یا ظهور حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود وقتی که مردم ایمان بستاره بیاورند و مقدرات (الهی) را تکذیب کنند. (13) از نظر ابن قابوس منقول است که گفت شنیدم حضرت صادق (علیه السلام) می فرمود منجم ملعون است و کاهن ملعون است و ساحر ملعون است و زن مغنیه ملعونه است و کسیکه داخل آنها شود ملعون است و خورنده درنده گان ملعون است. پس از آن فرمود منجم مثل کاهن و کاهن مثل ساحر و ساحر مثل کافر و کافر در آتش است. (14) جعفر بن محقق در معتبر و علامه در تذکره و شهید اول و ثانی فرموده اند رسول خدا فرمود کسی که کاهن یا منجمی تصدیق کند او کافر است بآنچه خدا بر محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) فرو فرستاده (15) و از عبد الملک بن اعین روایت شده که بحضرت صادق (علیه السلام) عرض کردم من مبتلا شده ام باین علم (یعنی علم نجوم) وقتی که می خواهم دنبال کاری بروم نگاه به طالع می کنم اگر بد است دنبال آن کار نمی روم و اگر خوب است میروم آن حضرت فرمود نافذ هم میدانی عرض کردم بله فرمود بسوزان کتابهای خود را (16) از عبدالله ابن عوف بن احمد نقل است که گفت چون حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) بسوی مردم نهروان میخواست تشریف فرما شود منجمی پیش آمد و عرض کرد یا امیر المؤمنین در این ساعت حرکت نکنید و بگذارید سه ساعت از روز برآمده تشریف ببرید حضرت فرمود برای چه گفت بجهت آنکه اگر در این ساعت حرکت فرمائید بشما و اصحابتان اذیت و ضرر سختی وارد میشود و اما اگر در آن ساعت که من گفتم حرکت فرمائید ظفر خواهید یافت و بمطلب خود میرسید حضرت فرمود میدانی چه در شکم این حیوان است آیا نر است یا ماده عرض کرد اگر حساب بکنم میدانم حضرت فرمود هر کس باین کلام تو تصدیق کند بتحقیق قرآن را تکذیب نموده چون که نزد خدا است علم ساعت و فرو می فرستد باران را و می داند آنچه را که در رحمها است و احدی نداند که چه کسب می کند فردا و احدی نداند در چه سرزمینی می میرد خدا است دانا و آگاه این را که تو ادعا نمودی محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) ادعا فرمود آیا گمان میکنی تو میفهمانی آن ساعتی را که اگر کسی در آن ساعت سیر کند بدی از او برطرف می شود یا ساعتی را که اگر در آن ساعت سیر کند ضرر باو میرسد هر کس این را قبول کند بگفتار تو از خدای بی نیاز می شود و احتیاجش بسوی تو از خدا بیشتر می گردد در رفع مکروهات و سزاوار میشود که ترا حمد کند نه خدای عز و جل را تا آنجا که فرمود: ای خدا فالی نیست جز فال تو و ضرری نیست مگر ضرر تو و خیری نیست جز خیر تو و خدائی نیست سوای تو آنوقت رو به منجم نمود و فرمود بلکه ترا تکذیب میکنم و در همان ساعت که نهی کردی حرکت در آن را حرکت می کنم.

دارد و نفعی ندارد مگر مقداریکه در شناختن قبله و وقت نمازها بکار میاید که این مقدار حرام نیست.

ص: 15

و اما تفسیر علم به اینکه علم صفتی است که بواسطه آن هر کس ایستادگی کند و عمل باو نماید نورانی میشود البته این تعریف مختص بان علمی است که ذکر شد یعنی «علم حال» پس سزاوار است که طالب علم از خود و از آنچه که نافع و مضر است چه در اول کار و چه در آخر کار غافل نشود پس طلب کند علمی را که نفع دارد و دوری نماید از علمی که ضرر دارد تا اینکه عقل و عملش در روز قیامت دلیل بر ضررش نباشند که موجب زیادتی عقوبتش گردد.

ص: 16

فصل دوم: در نیت است

در نیت است - طالب علم ناچار باید در طلب کردن علم نیت داشته باشد چون اصل مطلب در هر کاری و در هر حالی نیت است بواسطه قول رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) که فرمود جز این نیست که هر عملی به نیت است و در قول دیگرش می فرماید برای هر مردی است آنچه را نیت نموده پس سزاوار است که طلب کننده علم - علم را برای بدست آوردن رضایت خدای تبارک و تعالی تحصیل کند و قصدش برطرف کردن جهل باشد از خود و از باقی نادانان و برای زنده کردن دین و باقی ماندن اسلام و امر به معروف و نهی از منکر باشد چه از

ص: 17

خود و چه از بستگان و غیر آنها البته بمقداریکه ممکن است پس سزاوار است که طالب علم صبر و تحمل بر مشقت و جدیت داشته باشد البته بقدر وسع خود و عمر گران مایه خود را صرف در دنیای پست بی بقا نکند و بواسطه طمع خود را خوار و ذلیل نگرداند «چنانچه اخبار بسیاری هم در مذمت طمع از اهل بیت عصمت و طهارت رسیده» (1) و از کینه و تکبر دوری

ص: 18

1- (17) من جمله قول صادق آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین است که می فرماید زشت ترین چیزها بر مؤمن آن است که رغبتی داشته باشد بچیزی که او را ذلیل و خوار کند. (18) و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل است که فرمود بد بنده ایست بنده ای که باطمع باشد و بواسطه آن مقید و ذلیل شود بد بنده ایست بنده ای که رغبتی داشته باشد که او را ذلیل نماید. (19) و از علی بن الحسین منقول است که فرمود دیدم تمام خوبی و خیر جمع شده در قطع طمع از آنچه که در دست مردم است. (20) و از حضرت صادق (علیه السلام) سؤال شد از آنچه که ایمان را در بنده ثابت می کند فرمود ورع است و آنچه که ایمان را خارج میکند طمع. (21) و امیر المؤمنین علیه السلام در وصیت خود به محمد بن حنفیه فرمود وقتی که خواستی تمام خوبی دنیا و آخرت را جمع کنی پس قطع کن طمع خود را از آنچه در دست مردم است. (22) و از امام محمد باقر علیه السلام نقل است که مردی آمد خدمت رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) و عرض کرد یا رسول الله چیزی یادم ده حضرت فرمود بر تو باد به اینکه مأیوس باشی از آنچه در دست مردم است به جهت آنکه این یأس و ناامیدی از مردم غنای حاضر است عرض کرد زیادتر بفرما یا رسول الله فرمود دور شو از طمع که آن فقر حاضر است. (23) و از امیر المؤمنین (علیه السلام) سؤال شد که ثابت ماندن ایمان به چیست فرمود بورع گفته شد زوالش به چیست فرمود بطمع. چه خوب است تشریف میر ختن *** از آن به کهن جامه خویشتن گر آزاده ای بر زمین خسب و لبس *** مکن بهر قالی زمین بوس کس و گر خود پرستی شکم طبه کن *** او در خانه این و آن قبله کن نیززد عسل جان من زخم نیش *** قناعت نکوتر بدوشاب خویش

نماید که این هر دو مهلک و از صفات بسیار مذموم نزد شرع و عقل می باشند و اخبار فراوانی در مذمت صاحبان این دو صفت وارد شده (1)»

ص: 20

1- (24) من جمله روایت عبدالله بن بکیر از زراره از حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق علیهما السلام است که فرمودند داخل بهشت نمیشود کسی که مثقال ذره‌ای کبر در قلبش بوده باشد. (25) و نیز رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در وصیت خود به امیر المؤمنین علیه السلام فرمود یا علی ترا نهی میکنم از سه خصلت حسد - تکبر - حرص. (26) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود در جهنم وادی ای می باشد برای تکبر کنندگان که اسم آن شهر است از بسیاری حرارتش شکایت بخدا می کند و اذن می طلبد که نفس بکشد وقتی که نفس کشید جهنم را می سوزاند. (27) و از داود بن فرقد از برادرش نقل شد که گفت شنیدم حضرت صادق علیه السلام میفرمود بدرستی که تکبر کنندگان را بصورت مورچه کوچکی قرار می دهند که زیر پای مردم مالیده شوند تا خدای تبارک و تعالی از حساب فارغ گردد. (28) و حضرت صادق (علیه السلام) در وصیت خود به اصحابش میفرماید دوری کنید از بزرگی و تکبر چون تکبر رداء خدا است و کسیکه در رداء خدا نزاع کند خداوند او را در هم شکسته و در روز قیامت ذلیلش نماید. (29) و از امیر المؤمنین (علیه السلام) نقل شده که فرمود احدی از پسران آدم نیست جز آنکه کاکلش بدست ملکی است پس اگر تکبر نمود او را میکوبد بر زمین و می گوید تواضع و فروتنی کن خدا ترا کوچک گرداند. پس اگر کوچکی نمود از کاکلش میگیرد و به او میگوید بلند کن سر خود را خدا ترا بلند کند بواسطه کوچکی که برای خدا نمودی خدا هم ترا کوچک نمی کند. (30) و از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) منقول است که فرمود اکثر اهل جهنم تکبر کنندگانند. (31) و از آن حضرت نیز منقول است که فرمود محبوب ترین و نزدیکترین شماها به سوی من در روز قیامت نیکوترین شماها است از جهت خلق و سخت ترین شماها است از جهت تواضع (یعنی هر کس خلقتش نیکو و تواضعش بیشتر است آن بمن نزدیکتر است) و دورترین شماها از من تکبر کنندگان شماها است. (32) و از امام محمد باقر صلوات الله علیه منقول است که فرمود کبر حیوان سواری آتش است. (33) و از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده که فرمود بزرگترین کبرها انکار حق و طعن بر اهل آن میباشد. ز خاک آفریدت خداوند پاک *** پس ای بنده افتادگی کن چو خاک تواضع سر رفعت افزادت *** تکبر بخاک اندر اندازدت بعزت، هر آن کو فروتر نشست *** بخواری نیفتد ز بالا به پست

در اختیار علم و استاد و هم مباحثه است و اینکه باید ثابت قدم باشد پس سزاوار است که طلب کننده علم بهترین علمها را اختیار کند و آن علمی را طلب نماید که فعلا بدرد دنیایش و بعدا بکار آخرتش بیاید و البته از همه مقدم علم خداشناسی است که باید از روی دلیل عقلی خدای خود را بشناسد (1) و از علمها

ص: 24

1- و اخبار بسیاری در ثواب خداشناسی وارد شده. (34) من جمله قول رسول اکرم است که فرمود نگفتم و نگفتند گویندگان قبل از من مثل کلمه لا اله الا الله (یعنی کلمه ای که ثوابش مثل این کلمه باشد کسی نگفته چون اقرار به یگانگی خدای تبارک و تعالی است). (35) ایضا از آن حضرت منقول است که بهترین عبادات گفتن لا اله الا الله است. (36) و از امام محمد باقر (علیه السلام) منقول است که شهادت دادن باینکه نیست خدائی مگر خدای یکتا از جهت ثواب از هر چیزی بزرگتر است چونکه خدای عز و جل نه دل دارد و نه احدی را برای خود شریک قرار داده؟ (37) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خدای عز و جل ضامن شده برای مؤمن ضمانی راوی گفت عرض کردم چیست آن ضامن فرمود ضامن شده که اگر مؤمن بر بیبیت خدای عز و جل و به نبوت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و به امامت علی (علیه السلام) اقرار نمود و به آنچه بر او واجب شده عمل کرد او را در جوار خودش ساکن سازد (38) و از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل است که هر کس بمیرد و شرک بخدا نیاورده باشد داخل بهشت می شود خوب کرده باشد یا بد کرده باشد. (39) و از حضرت صادق (علیه السلام) مرویست که خداوند حرام گردانیده جسدهای موحدین و خدا پرستان را بر آتش؟

علم قدیم را اختیار نماید نه علمهای جدید را چنانچه بزرگان فرموده اند علیکم بالعتیق و ایاکم و المحدثات یعنی بشتابید بعلوم قدیمه و دوری نمائید از علوم تازه و اختیار کند آن علمی را که در متن کتاب است نه حاشیه آن را چنانچه گفته اند علیکم بالمتون لا بالحواشی «مگر در صورتیکه بحاشیه احتیاجش افتد»

و اما در اختیار استاد پس سزاوار است هر معلمی که علمش بیشتر و ورعش بهتر و سنش زیاده است آن را اختیار کند.

و سزاوار است که هر علمی را میخواید طلب نماید اول مشورت کند که چه علمی را اختیار کند

ص: 26

آنوقت دنبال آن برود و چون طالب علم داخل شهری شود که بخواهد در آن طلب علم کند باید مواظب باشد که زود مخلوط با علماء نشود و تا دو ماه در آن شهر صبر کند تا از روی بصیرت استادی را اختیار کند که بعداً منجر به ترک نشود و به دیگری رجوع کند که این کار بر او مبارک نباشد پس سزاوار است که ثابت باشد و صبر کند بر یک استاد تا یک کتاب پیش او تمام کند و ناقص نگذارد و تافنی را تمام نکند بفن دیگری مشغول نشود تا اینکه در آن فن خوب ماهر گردد و از شهری بشهری منتقل نشود بدون ضرورتی که همه اینها اسباب نزدیک بتحصیل را متفرق و قلب را مشغول و وقت را ضایع میکند.

و اما اختیار هم مباحثه البته باید با شخص جدی و با تقوی و صاحب طبع مستقیم مباحثه نماید و از

1- (40) از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که در وصیت خود ببعض اولادش فرمود دوری کن از کسالت و ضجر که این دو ترا از حظ دنیا و آخرت باز می دارد. (41) و رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) و در وصیت خود به امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود یا علی مزاح نکن که قیمتت را میبرد و دروغ نگو که نورت می رود و دوری کن از دو خصلت یکی ضجر و دیگری کسالت که اگر منجر شدی صبر بر حق نمیکنی و اگر کسل شدی اداء حق نمینمائی (42) و نیز از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) منقول است که فرمود علامت شخص صبر کننده سه چیز است اول آنکه کسل نشود دوم آنکه منضجر و غمگین نگردد و سوم آنکه از خدای خود شکایت نکند چونکه اگر کسل شد حقوق را ضایع می کند و اگر منفجر شد شکر خدا را نمیکند و اگر شکایت نمود بتحقیق معصیت نموده خدای خود را.

2- چون آدم پرگو عقلش کم است و با آدم کم عقل رفاقت شایسته نباشد.

1- (43) از حضرت صادق (علیه السلام) روایت شده که هر وقت امیر المؤمنین علیه السلام منبر تشریف میبردند میفرمودند سزاوار است که مسلمان دوری کند از سه طائفه یکی شخص بی حیاء فاجر و دیگری احمق نادان و سومی دروغ گو. اما شخص بی حیاء فاجر پس کارهای خود را نزد تو زینت میدهد و دوست میدارد تو هم مثل او باشی و کمک به امر دینت نمیکند و با تو دشمنی میکند و نزدیکی نمودن با او جفا و قساوت است و رفت و شد نمودنش بر ضرر تست. و اما احمق نادان پس او ترا بخیری راهنمائی نمی کند و بدی را از تو دفع نمینماید اگر چه خود را هم خسته کند و چه بسا نفع ترا خواهد ولی بر ضررت کار کند پس مرگ او بهتر از زندگی و خاموشی او نیکوتر است از سخن گفتش و دوریش بهتر است از نزدیکی. و اما دروغگو بدرستی که با او عیش بر تو آسان نمیشود زیرا که سخن ترا بر دیگری نقل میکند و سخن دیگری را بر تو هر چه حرف او را صرف نظر کنی و اعتنا نکنی باز مثل آنرا به دیگری میرساند تا بجایی میرسد که سخنان راست او را تصدیق نمیکنند و بین مردم را بدشمنی تفرقه میندازد و حقد و کینه را در قلبها می رویاند. پس از خدا بپرهیزید و بخودتان نظر کنید (که مبدا از دروغ گویان باشید).

حکمت فارسی گفته شده

تا توانی میگریز از یار بد *** یار بد بدتر بود از مار بد

مار بد تنها همی بر جان زند *** یار بد بر جان و بر ایمان زند

و بعضی گفته اند زمین را به اسمش و رفیق را به رفاقتش معتبر بدانید.

و سزاوار است که اهل علم را بقلب بزرگ بشمارد. و بعضی گفته اند احترام نگاه داشتن از اطاعت

ص: 30

کردن بهتر است و کتابی بدست نگیرد و درسی را مطالعه نکند و نخواند مگر آنکه با طهارت باشد «مثل اینکه همیشه با وضو باشد چون خود وضو مستحب است بدون اینکه غایتی داشته باشد و اخبار بسیاری در فضلش وارد شده (1)» و سزاوار است چیزی را که

ص: 31

1- (44) در حدیثی وارد شده که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به انس فرمود یا انس هر چه میخواهی مطهر زیاد کن (که غسل و وضو و تیمم باشد) که خدا در عمرت زیاد میکند و اگر تمکن داری که روز و شب با طهارت باشی بجای آور که اگر با طهارت مردی شهید مرده ای. (45) و از هشام منقول است که گفت عرض کردم خدمت حضرت صادق علیه السلام که من دنبال کاری میروم و دوست داشتم که تعقیب (دعاهای بعد از نماز) بجای آورم حضرت فرمود اگر تو با وضو باشی مثل این است که تعقیب بجای آورده ای. (46) و ایضا از آن حضرت منقول است که مؤمن مانند تعقیب خوانندگان است مادامیکه با وضوء باشد. (47) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که طهارت روی طهارت ده حسنه است. (48) و در حدیث دارد وضوء روی وضو گرفتن نور علی نور است. (49) و سلمان (رحمة الله) از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت نموده که هر کس با وضوء بخوابد مثل اینکه تمام شب را احیا گرفته الی غیر ذلک از اخباریکه در ابواب مختلفه وارد شده.

میخواهد بنویسد خوب بنویسد و درهم برهم ننویسد و حاشیه نرود مگر وقت ناچاری چون اگر این کار را کند و زندگی نماید پشیمان میشود و اگر بمیرد ناسزا باو گفته می شود و سزاوار است علم را با احترام و بزرگی گوش دهد نه به استهزا و مسخره و هیچ علمی را خودش اختیار نکند بلکه امرش را به استادش واگذار کند چون برای استاد در وقت خواندن تجربه هائی حاصل شده و شناخته آنچه را که برای هر که

ص: 32

لایق است و سزاوار است که شاگرد نزدیک استاد نشیند اگر جایی برای او باشد بلکه باید بین او و استاد بمقدار یک کمان فاصله باشد چون این معنی به احترام نزدیک تر است و سزاوار است که از اخلاق بد دوری کند و چون آن سگ باطنی و معنوی است و رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود ملائکه داخل خانه ای که سگ یا صورتی باشد نمی شود (و اخبار بسیاری در مذمت بد خلقی رسیده است) (1)

ص: 33

1- (50) من جمله قول حضرت صادق علیه السلام است که فرمود بدرستی که خلق بد عمل را فاسد میکند چنانچه سرکه غسل را خراب مینماید. (51) و از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) است که فرمود خداوند امتناع فرموده برای صاحب خلق بد توبه را (یعنی توبه اش را قبول نمیکند) گفته شد چگونه میشود یا رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود چون توبه کند از گناهی دو مرتبه در گناه بزرگتر از آن می افتد. (52) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خلق بد هر آینه ایمان را فاسد میکند چنانچه سرکه غسل را فاسد میکند. (53) و ایضا از آن حضرت منقول است که فرمود کسیکه خلقش بد باشد خود را عذاب کرده. (54) و ایضا از آن حضرت منقول است که خداوند وحی نمود به یکی از پیغمبرانش بر اینکه خلق بد عمل را فاسد میکند چنانچه سرکه غسل را ضایع میکند. (55) و رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در وصیتش به امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود یا علی برای هر گناهی توبه ای است مگر بد خلقی که صاحبش هر چه از یک گناهی خارج شود داخل گناه دیگری می شود. (56) و از ثامن الحجج علیه السلام روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود بر شما باد بخلق نیکو بدرستی که صاحب خلق نیکو در بهشت است لا محاله و دوری کنید از خلق بد که صاحبش در جهنم است لا محاله. (57) و از امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که فرمود هیچ گناهی نیست مگر آنکه توبه دارد و هیچ توبه کننده ای نیست جز آنکه توبه اش سالم میماند جز بد خلقی که توبه نمیکند از گناهی مگر آنکه واقع میشود در گناهی که شرش بیشتر است الی غیر ذلک از اخباری که در این باب وارد شده.

فصل چهارم: در جدیت و مواظبت و همت

در جدیت و مواظبت و همت است.

پس ناچار باید طالب علم جدیت و مواظبت و ملازمت تامی داشته باشد.

بعضی فرموده اند کسیکه طلب کند چیزی را و جدیت کند به او میرسد.

و دیگری فرموده هر چه انسان سعی و کوشش کند به همان مقدار میرسد که طالب بود و بعضی گفته اند در یاد گرفتن علم جدیت سه کس لازم است شاگرد - استاد - پدر اگر زنده است و باید طالب علم در چند موقع مواظبت کند بر درس خواندن و تکرار نمودن در اول شب و آخر شب و بین مغرب و عشاء و در وقت

ص: 36

سحر چون سحر وقت بسیار مبارکی است.

و بعضی گفته اند هر کس شب بیدار باشد روز قلبش روشن است و باید ایام جوانی را غنیمت شمارد ولی میانه رو باشد نه بطوریکه خود را ضعیف و بکلی از کار باز دارد بلکه برفق و مدارا کار کند چون میانه روی قاعده بزرگیست در هر کاری.

و باید طالب علم با همت عالی باشد در طلب علم چون انسان با همتش پرواز می کند چنانچه پرنده ها با دو بالشان پرواز میکنند.

و باید همتش حفظ نمودن تمام کتابها باشد تا بتواند بعضی آن را حفظ کند.

و اما اگر همت عالی داشته باشد (و دلش بخواهد به مقام اجتهاد برسد) ولی جدیت نداشته باشد یا بعکس جدیت داشته باشد ولی همت عالی نداشته باشد البته معلوم است بعلم نمیرسد مگر اندکی.

و سزاوار است که تأمل در فضائل علوم و دقائق آن

ص: 37

نماید و خود را زحمت بدهد بر جدیت و مواظبت و تحصیل چون علم از چیزهایی است که باقی می ماند و غیر آن فانی میشود بجهت آنکه علم است که باعث زندگی همیشگی است حتی اینکه گفته اند علماء زنده اند اگر چه مرده باشند و در لذت علم همین بس که عقلاء را بخود دعوت می کند (نه سفها را که هیچ شعور ندارند و خوب و بد دنیا را نفهمیده اند).

و مخفی نماند که کسالت از بلغم و رطوبات تولید می شود و راه کم کردن آن کم خوردن است بعلت آنکه فراموشی از بسیاری بلغم است و بسیاری بلغم از آب زیاد خوردن است و آب زیاد آشامیدن از زیاد خوردن است و نان خشک هم بلغم و رطوبات را کم و بلکه قطع میکند و همچنین خوردن زیب بلغم را کم میکند ولی نه زیادش چون اگر زیاد بخورد باعث می شود آب زیاد بخورد و اگر آب زیاد خورد بلغم زیاد میشود (آن وقت نقض غرض میشود چون ما

ص: 38

میخواهیم بلغم را کم کنیم نه زیاد) و مسواک نمودن نیز بلغم را کم و حافظه و فصاحت را زیاد میکند (و اخبار بسیاری در فضیلت آن از رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم أجمعین وارد شده (1)) و

ص: 39

1- (58) من جمله قول حضرت صادق علیه السلام است که فرمود مسواک نمودن از سنت پیغمبران مرسل است. (59) ایضا از آن حضرت منقول است که سه چیز به پیغمبران عطا شد عطر و زن و مسواک (60) و ایضا از آن حضرت منقول است که جبرئیل علیه السلام سه چیز برای رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل نمود یکی مسواک دیگری حجامت سوم خلال. (61) و از امیر المؤمنین (علیه السلام) منقول است که فرمود مسواک کردن پاکیزه کننده دهان و خوشنود کننده پروردگار است. (62) و از حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) منقول است که فرمود در مسواک ده خصلت است اول آنکه دهن را پاکیزه میکند دوم آنکه خدای تبارک و تعالی را راضی مینماید سوم آنکه حسنات را هفتاد مقابل زیاد میکند چهارم آنکه از سنت پیغمبران است پنجم آنکه زردی دندان را میرد ششم آنکه دندانها را سفید میکند هفتم آنکه لثه را محکم مینماید هشتم آنکه چشم را جلاء میدهد نهم آنکه بلغم را قطع میکند دهم آنکه غذا را هضم مینماید. (63) و از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) منقول است که فرمود جبرئیل مرا آن قدر بمسواک وصیت نمود که ترسیدم دندانهایم بریزد. (64) و ایضا از آن حضرت منقول است که در وصیتش به امیر المؤمنین علیه السلام فرمود یا علی سه چیز است که زیاد میکند حافظه را و کم میکند بلغم را یکی مسواک است و دیگری شیر و سومی خواندن قرآن یا علی مسواک از سنت پیغمبران است و پاکیزه کننده دهن و جلا دهنده چشم است و خوشنود کننده خدا است و سفید کننده دندانها است و برطرف کننده زردی دندان است و محکم کننده لثه و هضم کننده طعام و برطرف کننده بلغم است و زیاد میکند حافظه و حسنات را و ملائکه را خوشحال می نماید. (65) و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر چیزی پاک کننده دارد و پاک کننده دهان مسواک است. (66) و از آن حضرت نیز منقول است که فرمود مسواک کردن بلغم را برطرف و عقل را زیاد میکند. و رسول خدا به امیر المؤمنین علیه السلام فرمود یا علی بر تو باد بمسواک کردن نزد وضوء هر نمازی. (67) و نیز فرمود اگر مشقت نداشت برای اتم هر آینه مسواک را واجب می کردم بر ایشان نزد وضوء هر نمازی.

همچنین قی نمودن بلغم را کم میکند و راه کم کردن غذا تأمل در منافع کم خوری است که عبارت از صحت و عفت و غیر آنها باشد و نیز تأمل در مضرات پر خوری است که عبارت از امراض و خستگی طبع باشد و بعضی گفته اند پر خوری زیرکی را میبرد «و اخبار بسیاری در مدح کم خوری و ذم پر خوری

ص: 41

1- (68) من جمله قول صادق آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین است که میفرماید شکم چون پر شود طغیان کند و نزدیک ترین ساعتی که بنده بخدای خود نزدیک است آن ساعتی است که شکم او خالی باشد و مبعوض ترین اوقات آن وقتی است که شکم او پر باشد. (69) و ایضا از آن حضرت منقول است که فرمود زیاد خوردن مکروه است. (70) و ایضا از آن حضرت منقول است که فرمود بدرستی که خداوند دوست نمیدارد زیاد خوردن را. (71) و نیز از آن حضرت منقول است که فرمود انسان ناچار است از خوردن غذا تا اینکه بتواند کمرش را راست کند پس هر وقت یکی از شماها غذایی بخورد باید ثلث شکمش را برای غذا قرار دهد و ثلث آن را برای آب و ثلث آن را برای نفس کشیدن و فربه نکنید خود را مثل خنزیرها برای ذبح (72) و از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که فرمود اگر مردم در غذا خوردن میانه روی کنند هر آینه بدنهای ایشان معتدل میشود «آنوقت مریض نمیشوند». (73) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که روزی ابلیس العین آمد خدمت حضرت یحیی علیه السلام در حالیکه با او بندهای مختلف بود حضرت فرمود این بندها چیست عرض کرد با اینها مردم را بدام خود میاندازم حضرت یحیی علیه السلام فرمود برای منم در اینها چیزی هست عرض کرد بله گاهی تو سیر میخوری آنوقت ترا از نماز و ذکر خدا باز میدارم حضرت یحیی فرمود ملتزم شدم که هیچ وقت شکم خود را پر نکنم ابلیس گفت منم ملتزم شدم که هرگز مسلمانی را نصیحت نکنم. (74) و از آن حضرت نیز منقول است که چون شکم پر شود سرکشی نماید. (75) ایضا از آن حضرت منقول است که در حال سیری چیز خوردن باعث مرض برص میشود. (76) امیر المؤمنین علیه السلام بفرزند خود امام حسن علیه السلام فرمود آیا یاد ندهم ترا چیزیکه از طب بی نیازت کند عرض کرد بله فرمود سر غذا نشین مگر آنکه گرسنه باشی و از سر غذا بلند نشو مگر آنکه هنوز میل داشته باشی و غذا را پاکیزه نرم کن در وقت جویدن و هر وقت میخواهی بخوابی خود را به بیت الخلاء عرضه بدار. بیش خوردن قوی کند گردن *** لیک زیرک شوی ز کم خوردن آفت علم و حکمت است شکم *** و هر که را خورد بیش دانش کم (سعدی فرماید) اندرون از طعام خالی دار *** تا درو نور معرفت بینی تهی از حکمتی بعلت آن *** که پری از طعام تایینی

و چیزهای پاکیزه و لطیف که اشتها را زیاد میکنند مقدم کند و کوشش در خوراک و خواب نکند مگر برای اطاعت خدای تعالی مثل نماز و روزه و غیر آنها.

ص: 44

فصل پنجم: در ابتداء شروع بدرس و مقدار و ترتیب

در ابتداء شروع بدرس و مقدار و ترتیب اوست البته سزاوار است که ابتداء شروع روز چهارشنبه باشد چنانچه از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) روایت شده که به هیچ عملی در روز چهارشنبه شروع نمیشود مگر آنکه تمام میشود و ناقص نمیماند و بعضی فرموده اند هر کاری از کارهای خیر باید در روز چهارشنبه واقع شود و این بعلت آن است که روز چهارشنبه روزی است که خداوند در آن روز نور را خلق فرمود و آن در حق کافران نحس است و درباره مؤمنان مبارک میباشد.

و اما مقدار درس البته باید به قدری باشد که ممکن

ص: 45

باشد بدو مرتبه مطالعه آن درس را بخوبی ضبط کند.

و اما اگر در ابتداء کار درسش بمقداری باشد که محتاج بده مرتبه مطالعه شود آنوقت تا آخر کار به همین عادت خواهد نمود و دیگر با جدیت زیاد نمیتواند این عادت را از خود رفع کند (پس باید درس بمقدار فهم خود بگیرد تا بزحمت نیفتد) و بعضی فرموده اند درس یک حرف است ولی تکرارش هزار حرف (یعنی درس هزار مرتبه تکرار شود تا ملکه گردد و زود از نظر نرود). و سزاوار است ابتداء بچیزی کند که نزدیک فهمش بوده باشد و استادان عادتشان بر این بوده است که درسهای کوچک را برای مبتدی اختیار می کردند چون آنها نزدیک تر بفهم آنان بوده و بهتر میتوانند ضبط کنند.

و سزاوار است که درس سابق را بعد از مطالعه و ضبط زیاد تکرار کند و چیز را که نفهمیده ننویسد چون باعث خستگی طبع می گردد و زیرکی را میبرد و

ص: 46

وقت را ضایع میکند.

و سزاوار است که جدیت کند در فهمیدن مطالب از استاد البته بتأمل و تفکر و تکرار زیاد و معلوم است که اگر درس در ابتداء کم و اندک باشد و زیاد تکرار و تأمل کند بخوبی درک خواهد کرد و بعضی فرموده اند حفظ نمودن دو حرف بهتر است از شنیدن دو ورق پس اگر سستی نمود در فهمیدن و جدیت نکرد که بیک مرتبه یا دو مرتبه بفهمد آنوقت عادت همیشگی او میشود دیگر کلام آسان را هم نمیفهمد.

پس سزاوار است که سستی در فهم نکند و جدیت نماید و خدا را بخواند و بسوی او گریه و زاری کند چون خدای عز و جل جواب میدهد هر کس را که بخواند و نا امید نمیکند کسی را که به او امیدوار باشد.

و ناچار باید طالب علم مطالب را طرح کند و مناظره نماید (و مطلب علمی را با دیگری مذاکره کند و در آن اعمال نظر نماید) ولی باید با انصاف باشد و

ص: 47

تأنی و تأمل کند و از شهوت و غضب (وزیر بار حق نرفتن و ریا و حقد و حسد و قطع علاقه و غیبت و تکبر و پیروی عیوب و بدخواهی و تزکیه نفس و نفاق) دوری کند (که همه اینها از آفات مناظره است پس ناچار باید از این طور اخلاق دوری جوید) چونکه مناظره و مذاکره به منزله مشورت است و مشورت برای بدست آوردن حق است و این معنی حاصل نمیشود مگر بتأمل و انصاف نه بغضب و شهوت و فائده مناظره بیشتر است از فائده مجرد تکرار چون که در مناظره تکرار است با زیادی بعضی فرموده اند مذاکره یک ساعت بهتر است از تکرار یک ماه ولی در صورتیکه با شخص با انصاف و سلیم الطبع باشد و باید دوری نماید از کسیکه طبع مستقیم ندارد و با او مذاکره و مناظره نکند چونکه طبیعت سرایت کننده و اخلاق تعدی نماینده و مجاورت مؤثر است.

و سزاوار است طلب کننده علم در تمام اوقات

ص: 48

تأمل کند در دقائق علمها این معنی را عادت خود گرداند چون علمهای دقیق فهمیده نمیشود مگر بتأمل از این جهت گفته شده تأمل کن بفهم (یعنی بدون تأمل نمیفهمی) و باید قبل از تکلم تأمل نماید تا همیشه گفتارش صواب آید چون کلام مانند تیر است. پس باید قبل از رها کردن در آن تأمل کند (تا با تیر زبانش کسی را نزند تا موجب عقوبت خداوندی نگردد) و در اصول فقه این خود قاعده بزرگی است و باید کلام فقیه مناظر با تأمل باشد و در هر حال و هر وقت و از هر کس استفاده کند.

از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) که علم گم شده مؤمن است هر جا که یاد بگیرد.

و بعضی فرموده اند بگیر آنچه صاف است و واگذار آن را که مکدر است و معلوم باشد که هر کس بدنش صحیح و عقلش سالم است عذری در ترک علم ندارد و باید هر چه می تواند در طلب علم بکوشد) و البته

ص: 49

طالب علم باید همیشه شکر گذار باشد چه بزبان و چه به بدن و سایر اعضا و علم و فهم را از طرف خدای متعال بداند و فقراء را رعایت کند و از خداوند طلب هدایت نماید چون اوست هدایت کننده هر کس طالب آن باشد و کسی که توکلش بر او شد او هم کفایتش میکند و امر خودش را میرساند و برای هر چیزی مقداری معین کرده و سزاوار است که طالب علم صاحب همت عالی باشد و طمع بمال مردم نداشته باشد رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود دوری کن از طمع که آن فقر حاضر است و در صفحه (18) اخبار چندی در مذمتش گذشت و بخل نسبت بمالی که دارد نکند بلکه بخود و بغير خود انفاق نماید.

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) منقول است که فرمود همه مردم در فقر و بیچارگی هستند از ترس فقر (و اخباری

1- (77) من جمله از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که امیر المؤمنین صلوات الله علیه شنید مردی میگوید شخص بخیل عذرش پذیرفته تر است از ظالم آن جناب فرمود دروغ گفتمی بجهت آنکه ظالم گاهی توبه و استغفار میکند و هر چه از مردم بظلم گرفته باهلش رد میکند بخلاف بخیل که چون بخل ورزد منع کند زکوة و صدقه و صلح و دعوت مهمان و بخشش در راه خدا و کارهای نیکو را و بر بهشت حرام است که بخیل وارد شود (یعنی ظالم قابل هدایت و توبه و تلافی مافات می باشد ولی بخیل بواسطه ترک زکوة و صدقه و صلح و غیر اینها از قابلیت ساقط می شود و بالاخره عاقبت کارش بخیر نخواهد بود). (78) و از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) منقول است که فرمود چیزی مانند بخل باسلام ضرر نمیزند پس از آن فرمود برای بخل پاهائیس از نرمی مثل پاهای مورچه و شعبه هائیس مثل شعبه های شرک (کنایه از اینکه بخل یک صفتی است بسیار مخفی که هر کس به آن اطلاع پیدا نمیکند مانند اثر پاهای مورچه که احدی درک نمی کند). (79) و از حضرت صادق علیه السلام نقل است که فرمود بخیل کسی است که منع کند حق خدا را و بخشش نماید در غیر راه خدا (مثل اینکه زکوة و حقوق واجب الهی را ندهد ولی در عروسی پسرش مطرب زنانه یا مردانه بیاورد و با سینما بسازد و یا مدرسه دخترانه بنا کند و از خدا و رسول شرمی نکند). (80) و از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) روایت شده که فرمود دوری کنید از بخل بدرستی که هرکس قبل از شما هک شد بواسطه بخل بود چون آنها را امر بدورغ نمود آنها هم دروغ گفتند و امر بظلم کرد ایشان هم ظلم کردند و امر بقطع رحم کرد پس آنها هم قطع رحم کردند. (81) و در جای دیگر میفرماید دوری کنید از بخل بجهت آنکه اشخاصی که قبل از شما بودند بخل آنها را دعوت کرد تا خونشان ریخته شد و ارحامشان را قطع نمودند و محرمهای خود را حلال دانستند.

كسبى مى آموختند و بعدا مشغول درس خواندن

ص: 52

میشدند تا اینکه طمع در مال مردم نداشته باشند. (و در اثر سختی این و آن را تقسیق و تکفیر نمایند و تمام اوقات خود را در غیبت بندگان خدا صرف نمایند و منت بر خدا نگذارند و بلکه بدانند خدا منت بر آنها نهاده و بعلم خود آشنا ساخته تا او را به راستی بشناسند نه اینکه نظرشان بغیر خدا باشد که اگر چیزی بدست آوردند بخورند و اگر چیزی پیدا نکردند بدگویی از علما کنند که اگر اینطور بشود وزرشان هزار مقابل از جهال بیشتر خواهد بود.

پس باید طلاب مبتدی بیدار باشند و بدانند که تحصیل علوم دینی زحمت دارد گرسنگی و سختی دارد تهمت مفت خواری دارد هر چه تصور کنی دارد ولی در مقابل رضایت خدا و اجر فراوان دارد پس هر کس تاب این مراحل را دارد مشغول بعلم دینی بشود والا تا عقیده دینی پدر و مادریش را شیطان نسبت به علمای اعلام کج نکرده برگردد و بکار اول خود

بپردازد که هم بصلاح خود و هم بصلاح دیگران خواهد بود).

و در حکمت گفته شده هر کس از مال مردم بی نیازی نجست آن فقیر است و عالم چون طمع داشته باشد احترامی برای علمش باقی نخواهد ماند و حق را نمیتواند بگوید.

و سزاوار است که طالب علم خود را آماده سازد برای تکرار چون قلبش استقرار پیدا نمیکند تا باین درجه برسد.

و سزاوار است که در روز چهارشنبه را پنج مرتبه تکرار کند و درس روز سه شنبه را چهار مرتبه تکرار و مباحثه نماید و درس روز دو شنبه را سه مرتبه تکرار کند و درس روز یکشنبه را دو مرتبه مباحثه نماید و درس روز شنبه را یکمرتبه بحث کند چون اینطور بهتر و نزدیکتر است بحفظ شدن.

و سزاوار است که از تکرار خسته نشود و مخالفت

ص: 54

را عادت خود نکنند چون درس خواندن و مباحثه نمودن باید از روی نشاط و قوت باشد ولی خود را زیاد به زحمت نیندازد که خود را ضعیف و بی بنیه کند که دیگر نتواند تکرار نماید بلکه میانه روی را که بهترین کارها است اختیار کند و باید همیشه در طلب علم مداومت داشته باشد از اول تحصیل تا آخر عمر.

ص: 55

1- (82) من جمله قول حضرت صادق علیه السلام است که فرمود بی نیازی و عزت هر دو جولان میکنند چون بتوکل برسند آنجا ساکن شوند (یعنی هرکس توکل دارد بی نیازی و عزت دارد). (83) و نیز حضرت صادق (علیه السلام) از جدش رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت نموده که خدای عز و جل میفرماید قسم بعزت و جلال و جمال و روشنی و علو و ارتفاع مکانم (خدا مکان ندارد کنایه از ارتفاع شأن است) اختیار نمیکنند بنده خواهش مرا بر خواهش خود جز آنکه غنا و بی نیازی او را در آخرتش قرار میدهم و دفع میکنم از او فسادی را که با و متوجه است (یا از هلاکتش باز میدارم که غرق شدن در معاصی باشد) و آسمانها و زمین رزقش را ضامن میشوند و من خواهم بود برای او عقب تجارت کنندگان. هر آینه میکشانم تجارت را بسوی او. (84) و از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) منقول است که فرمود هر کس دوست میدارد پرهیزکارترین مردم باشد باید توکل بر خدا کند. (85) و از امام محمد باقر علیه السلام نقل است که فرمود هرکس توکل بر خدا کند مغلوب واقع نمیشود و هر کس چنگ بر دامن خدا زند شکست نمیخورد. (86) و از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) مرویست که فرمود هرکس بر خدا توکل کند و از مردم منقطع شود خداوند مؤنه رزقش را کفایت کند از راهی که نداند و هر کس امیدش بدینا شد خداوند هم بدینا وامیگذاردش. به خدا گرز خلق هیچ آید *** کار تو جز خدای نگشاید

علم در طلب علم با توکل باشد و اهمیت برزق خود

ص: 57

ندهد و قلب خود را مشغول آن نسازد و صبر داشته باشد چون طلب علم امریست بزرگ و در زحمت تحصیلش اجریست قوی و طلب علم افضل است از قرآن خواندن نزد اکثر علماء پس کسی که صبر کند بر سختیهای آن لذتی میابد که فوق لذتهای دنیا باشد و لذا محمد بن حسن طوسی به وقتی که سحر میشد و آن مشکلات علمی را حل میکرد میفرمود کجایند پسران پادشاهان از این لذت.

و سزاوار است که مشغول بچیزی نگردد (جز بمطالب علمی) و از علم فقه و تفسیر و حدیث و قرآن رو گردان نباشد (چون که اخبار بسیاری در فضل هر کدام بتنهائی رسیده) (1)

ص: 58

1- (87) از جمله اخباری که در فضل علم فقه رسیده قول معصوم (علیه السلام) که میفرماید کسی که خداوند خیر و خوبی او را خواسته باشد فقیه در دینش میکند. (88) و در خبر دیگر میفرماید یک فقیه سخت تر است بر شیطان از هزار عابد (89) و از حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) منقول است که فرمود دو خصلت در شخص منافق جمیع نمی شود یکی هیئت نیکو و دیگری فقه در دین (90) و از حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل است که افضل و بهترین عبادت فقه است و افضل دین ورع. (91) و از ابی سعید منقول است که حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) هر وقت با اصحابش می نشستند حدیثشان فقه بود مگر آنکه مردی سوره ای را قرائت می کرد با خود حضرت امر به قرائت سوره ای می فرمود (92) و بشیر دهان از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که حضرت فرمود خبری نیست در کسی که از اصحاب ما باشد و علم فقه طلب نکند ای بشیر مردی که از شیعیان ما به فقهش مستغنی نباشد محتاج بعامه (سنی ها) میشود و چون محتاج بایشان گردد در گمراهی خود داخلش کنند و حال آنکه ندانند. (93) و ایضا از آن حضرت منقول است که فرمود بر شما باد به تفقه در دین خدا و مانند صحرا نشینان نباشید پس هر کس تفقه در دین خدا نکرد خدا هم در روز قیامت نظر رحمت باو نکند و عملی را برای او پاکیزه نگرداند. (94) و نیز از آن حضرت نقل است که فرمود دوست میدارم سرهای اصحاب من بتازیانه زده شود تا اینکه فقه یادگیرند. و اما آنچه که در فضل قرآن و خواندنش رسیده بسیار است (95) من جمله قول علی بن الحسین علیه السلام است که قرآن خزینه های علم خداوند است و هرگاه درب آن خزینه گشوده شد بایستی در آن نظر کنی و از دریای منفعت آن در معرفت بدست آری. (96) و از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت شده که شریف ترین و بزرگوارترین امت من خوانندگان قرآند الخ. (97) و نیز از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) است که هرگاه کارهای دنیا بر شما مشکل شود و طریق معاش و معاد بر شما پوشیده گردد دست بزنید بر جمال قرآن تا حاجت دنیا و آخرت شما روا گردد و هرکس قرآن را به پشت اندازد و تلاوت نکند و بر خلاف طریقه قرآن عمل کند وی را به دوزخ کشند و هر که بقرآن تکلم کند همیشه راست گفتار و درست کردار باشد و هر که بطریق آن حکم کند با عدل و داد گردد و از راه راست باز نگشته و هرکس قرآن را وسیله دنیا و آخرت خود سازد بمراد دنیا و عقبای خود برسد و در زمره صلحاء و اتقیاء باشد. و اما اخباریکه در فضیلت علم حدیث وارد شده ایضا بسیار است. (98) من جمله قول رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) است که فرمود هرکس بداند دو حدیثی را که بواسطه آن خودش یا دیگری منتفع گردد بهتر است از شصت سال عبادت. (99) و نیز از آن جناب است که مذاکره و ملاقات و حدیث کنید یک دیگر را بدرستیکه حدیث جلاء دلها است چون دلها زنگ می زند چنانچه جلاء شمشیر زنگ میزند. (100) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود بشناسید منزلت و رتبه مردم را بقدر روایاتشان از ما (یعنی هر کس بیشتر روایت نمود از ما مقامش برتر خواهد بود). (101) معاویة بن عمار گفت عرض کردم خدمت حضرت صادق علیه السلام باینکه مردیست که روایت می کند حدیث شما را و بمردم میرساند و قلبهای شیعیان را بواسطه آن محکم میکند ولی شخصی است از شیعیان شما که عابد است و روایت نمیکند آیا کدام یک از این دو نفر افضل اند فرمود آنیکه روایت میکند احادیث ما را و قلبهای شیعیان را بآن محکم میکند بهتر است از هزار عابد. (102) و از فضیلت منقول است که گفت حضرت امام محمد

باقر صلوات الله علیه بمن فرمود ای فضیل بدرستی که حدیث ما (خانواده) زنده میکند قلبها را. (103) و از خیمه منقول است که گفت حضرت ابو جعفر علیه السلام بمن فرمود در خانه های خود همدیگر را زیارت کنید چون رفت و شد شماها امر ما را زنده میکند و خداوند رحمت کند بنده ای را که زنده گرداند امر ما را. (104) و از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل است که فرمود خدایا رحمت کن جانشینان مرا تا سه مرتبه این را فرمود عرض شد یا رسول الله کیانند جانشینان شما فرمود کسانی که بعد از من بیایند و حدیث و سنت مرا بمردم یاد دهند. (105) و از جابر منقول است که گفت حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) بمن فرمود ای جابر بخدا قسم یک حدیث که از شخصی راست گو بتو برسد که راجع بحلال و حرام باشد بهتر است از برای تو از آنچه که آفتاب از مشرق تا مغرب باو بتابد.

فصل هفتم: در اوقات تحصیل

در اوقات تحصیل است بعضی فرموده اند وقت تحصیل از گهواره است تا لحد و بهترین وقتها وقت جوانی است و بهترین ساعات وقت سحر و مابین مغرب و عشا است.

و سزاوار است که تمام اوقات خود را صرف در علم نماید و اگر از یک علمی ملول و خسته شد بعلم دیگری مشغول گردد لذا محمد بن حسن رحمه الله شب را نمیخواهید و دفترهای چندی پیش خود می گذاشت که هر وقت از یکی خسته گشت در دیگری نظر کند و قدری آب نزد خود میگذاشت که خوابش را بآن زایل

ص: 64

و برطرف سازد و میفرمود خواب از حرارت است.

ص: 65

فصل هشتم : در مهربانی و نصیحت و اندرز کردن

سزاوار است که طالب علم مهربان و از روی اخلاص نیک خواه دیگران باشد و حسد نوزد که ضرر دارد و نفعی ندارد (چنانچه از اخبار بسیاری حرمت آن و اجتناب از آن معلوم است) (1) بلکه

ص: 66

1- (106) جراح مدائنی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت نموده که آن حضرت فرمود بدرستی که حسد میخورد ایمان را چنانچه آتش میخورد هیضم را. (107) و در روایت صحیح از حضرت صادق ایضا منقول است که فرمود پرهیزید از خدا و بعضی از شماها بر بعضی حسد نبرید. (108) و سکونی از حضرت صادق (علیه السلام) و آن حضرت از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت نموده که فقر و بیچارگی منجر به کفر گردد و حسد مقدرات الهی را غالب آید. (109) ایضا از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آفت دین سه چیز است حسد، عجب و فخر (110) و از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) منقول است که خداوند عز و جل بموسی بن عمران علی نبینا و اله و علیه السلام فرمود ای موسی حسد نبر بر مردم بآنچه به آنها از فضل و کرم داده ام و چشم خود را بمال ایشان مدار و متابعت او را مکن چون شخص حسود خشنود بنعمت من نیست و مانع است از قسمتی که بین بندگانم نموده ام و هرکس اینطور (حسود) باشد من از او و او هم از من نیست (111) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود مؤمن آرزو میکند ولی حسد نمیرد و منافق حسد میبرد ولی غبطه نمیخورد (112) و ایضا از آن حضرت منقول است که فرمود ریشه کفر سه چیز است حرص تکبر حسد (113) و از امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که صحت بدن از کمی حسد است (و شخص حسود غالباً مریض است) حسد آنجا که آتش افروزد *** خرمن عقل و عافیت سوزد نبود چاره حسودان دغل را ز حسد *** حسد آنست که هرگز نپذیرد درمان و گرز درد بترسی حسد مکن که حکیم *** مثل زند که حسد هست درد بی درمان

سزاوار است که نیتش تحصیل کمال باشد و باید همت معلم آن باشد که شاگرد در زمان خودش عالم گردد و مهربانی کند بر او بطوریکه از علمای اعلام بر تری پیدا نماید.

ص: 68

و سزاوار است که طالب علم با کسی نزاع و دشمنی نکند اولاً وقتش تلف میشود و بد کار بواسطه بدیش جزای شر خواهد گرفت (پس دشمنی شما ثمره ای جز نفاق نخواهد داشت).

بعضی از بزرگان فرموده اند بر تو باد باصلاح نفس خود. نه به قهر و غلبه دشمن چون اصلاح نفس در بر دارد قهر دشمن را و دوری کن از دشمنی نمودن (با دیگران را که آن ترا مفتضح میکنند و اوقات ترا ضایع میگردانند (پس بهترین کارها اصلاح نفس است چنانچه اخبار بسیاری در فضلش رسیده است) (1) و بر

ص: 69

1- (114) من جمله فرمایش حضرت صادق علیه السلام است که امیر المؤمنین علیه السلام میفرمود علماء و فقهاء چنین بودند که هر وقت بیکدیگر کاغذ مینوشتند سه چیز بیش نبود یکی آنکه هرکس همتش آخرتش باشد خداوند هم دنیای او را کفایت میکند و هر کس باطن خود را پاکیزه و شایسته گردانید خدای عز و جل ظاهر او را اصلاح فرماید. و هر کس بین خود و خدا را درست نمود خدای عز و جل نیز بین او و مردم را درست خواهد نمود. (115) و ایضا از امیر المؤمنین علیه السلام است که فرمود هر کس اصلاح کند بین خود و خدا را خدای عز و جل هم بین او و مردم را اصلاح نماید و هر کس آخرت خویش را اصلاح کند خدای عز و جل دنیای او را اصلاح نماید و هر کس باطن خود را بصلاح آورد خدای عز و جل ظاهر او را نیز اصلاح کند و کسیکه برای دینش عمل کند خدای تبارک و تعالی دنیای او را آباد و کفایت کند و هر کس نیکو کند مابین خود و خدا را خدای عز و جل نیکو گرداند بین او و مردم را.

توباد بتأمل (واجتناب) خصوصا از دیوانه گان و (ملتفت باش) که گمان بد بر مؤمنین نبری که باعث عداوت و دشمنی میگردد علاوه بر آنکه حلال هم نیست (پس باید انسان درباره مؤمنین نیک بین باشد) چنانچه رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود ظن و گمان خوب

ص: 70

درباره مؤمنین داشته باشید (و معلوم است که ظن بد در حق دیگران و دشمنی با مردم) از خباثت باطن است.

ص: 71

فصل نهم: سزاوار است که طالب علم همیشه اوقات دنبال استفاده علمی باشد

در استفاده است سزاوار است که طالب علم همیشه اوقات دنبال استفاده علمی باشد و راه استفاده آن است که همیشه اوقات با او قلمی باشد که هر چه از

چیزهای خوب میشوند بنویسد.

بعضی فرموده اند آنچه حفظ شود فرار میکند و آنچه نوشته گردد باقی می ماند دیگری فرموده علم آن است که از دهان مردمان گرفته شود چون آنها حفظ میکنند بهترین آنچه را که شنیده اند و می گویند بهترین آنچه را که حفظ کرده اند.

و شخصی به پسر خود وصیت نمود که حفظ کن

ص: 72

هر روزی پاره ای از علم را که آن بزودی علم زیادی خواهد شد پس عمر کوتاه و علم بیشمار است باید طالب علم هیچ وقتی را غفلت نکند و شبها و جاهای خلوت را غنیمت شمارد.

بعضی فرموده اند شب ها طولانی است بخواب خود کوتاه مکن و روزها نورانیست بگناه خود سیاه مگردان

و سزاوار است که وجود پیر مردان را مغتنم شمرده از ایشان استفاده کند و حسرت چیزهاییکه از او فوت شده نخورد بلکه بر آنچه فعلا و در آینده ممکن است تحصیل کند بکوشد و مشقت و مذلتی که باور آور می شود تحمل نماید و تملق در هر چیزی مذموم و بد است مگر در طلب علم که ممدوح و خوب است چون طالب علم ناچار است باید تملق از استاد و هم مباحثه بگوید برای استفاده که از آنها میخواهد ببرد.

بعضی فرموده اند علم عزیز است و ذلتی در او راه

ص: 73

ندارد ولی بدست نمیاید مگر بذلتی که عزت در او نباشد.

ص: 74

فصل دهم: در ورع در تعلم

در ورع در تعلم است باید طالب علم با ورع باشد یعنی دوری از محرمات کند از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) وارد شده که هر کس در طلب علم ورع نداشته باشد بیکی از سه چیز خداوند مبتلا میکند او را. یا مرگ او را در سن جوانی میرساند و یا مسکن او را در دهکده قرار میدهد و یا خدمت گذار سلطانش میسازد پس هر چه طالب علم ورعش بیشتر باشد نفع علمش بیشتر خواهد بود و وسائل تحصیل برای او آسان تر خواهد شد و فوائد علمیش افزونتر خواهد گشت.

و از ورع است که دوری کند از سیری و زیاد سخن

ص: 75

گفتن در چیزهایی که نفعی ندارد و از غذاهای بازار اگر توانست چون طعام بازار بنجاست نزدیک تر و از ذکر خدا دورتر و بغفلت نزدیک تر است چون چشم فقراء بآن غذاها واقع میشود و قدرت بر خریدن آن ندارند آنوقت اذیت میشوند و در اثر این برکت غذا میرود و سزاوار است که طالب علم دوری کند از غیبت کردن (1) و از نشستن با اشخاص پر گو چون آدم

ص: 76

1- (116) چون غیبت کردن یکی از گناهان کبیره و بسیار بزرگ است و بر هر مکلفی پسر پانزده ساله و دختر نه ساله واجب است دوری کند و خصوصیت بطالب علم ندارد جز آنکه طالبان علم سزاوارترند که دوری کنند و اخبار بسیاری در مذمت و حرمت آن رسیده. (117) من جمله قول رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) است که فرمود حرام است بر هر مسلمانی خون و مال و عرض مسلمانان دیگر و غیبت شامل عرض هم میشود. (118) و نیز از آن حضرت منقول است که فرمود دوری کنید از غیبت چون غیبت سخت تر است از زنا بجهت آنکه شخص زنا میکند و بعد توبه مینماید و خداوند از گناهان گذشته توبه او را قبول میکند. و اما صاحب غیبت آمرزیده نمیشود تا اینکه آن کسی که غیبتش شده عفو نماید و از حق خود درگذرد (119) و برآکه یکی از اصحاب رسول خدا است روایت میکند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) از خطبه خواند برای ما بطوریکه دخترهای جوان که در خانه خود پشت پرده پنهان بودند شنیدند پس فرمود ای جماعتی که ایمان آورده اید بزبانهای خود و ایمان نیاورده اید بقلب و دلهای خود غیبت مسلمانان را نکنید و جستجوی از آنچه را که میل ندارند ظاهر شود ننمائید بدرستی که هرکس جستجو و کنجکاوی کند از آنچه برادر دینی او کراحت دارد که بر مردم ظاهر شود خداوند در جزای این عمل او ظاهر سازد از او در میان مردم آنچه را که میل ندارد ظاهر شود و او را رسوا و مفتضح گرداند اگر چه در خانه خود باشد (یعنی اگر چه آنچه را که میل نداشته ظاهر شود کارهایی بوده باشد که خیلی محرمانه و در داخل خانه میکرده ولی چون کاری کرده و خواسته مسلمانان را رسوا و بی آبرو کند خدای متعال خود آن شخص را رسوا میکند). (120) و امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود دروغ گفته کسی که گمان کند حلال زاده است و حال آنکه گوشت مردم را بغیبت بخورد الخ و از عیسی علی نبینا و اله و علیه السلام مرویست که روزی باصحابش فرمود آنچه را که دوست ندارید ظاهر شود و با شما عملی کنند پس شما باحدی بجای نیاورید و اگر کسی سیلی بصورت راست شما زند طرف چپ را بگردانید. (121) و نیز فرمود غیبت نکنید که غیبت کرده خواهید شد و چاهی بهرکسی نکنید که خود بجزای آن خواهید رسید و در او خواهید افتاد. ای خنک جانی که عیب خویش دید *** هر که عیبی گفت آن بر خود خرید غافلند این خلق از خود ای پدر *** لاجرم گویند عیب یکدیگر هر کسی گر عیب خود دیدی ز پیش *** کی شدی فارغ وی از اصلاح خویش

پر گو عمر ترا سرقت و وقت تو را ضایع میکند.

و از ورع است آنکه دوری کنی از اهل فساد و معطل کن چونکه مجاورت بدون کم و زیاد مؤثر است.

و سزاوار است که همیشه رو بقبله بنشیند چه در حال تکرار و چه در حال مطالعه و اقتدا کند بسنت پیغمبر و غنیمت شمارد دعوت اهل خیر و صلاح را و دوری کند از دعوت ستمکاران و طلب همت و التماس دعا کند از اشخاص صالح و شایسته و سزاوار است که سستی در رعایت نکند چون کسی که

ص: 79

سستی کند بآداب محروم میشود از مستحبات و کسیکه سستی در مستحبات نماید محروم میشود از واجبات و کسیکه سستی در واجبات کند محروم میگردد از آخرت.

و بعضی فرموده اند این مطلب طبق روایت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) است و سزاوار است نماز زیاد بخواند و با خشوع باشد چون خود این کار کمک در تحصیل است و سزاوار است که همیشه اوقات دفترچه همراه داشته باشد که هر وقت خواست مطالعه کند.

و بعضی فرموده اند کسی که دفتر در آستین او نباشد علمی برای او در قلبش ثابت نمیماند و سزاوار است که در دفتر جای سفیدی خالی باشد و قلمی همراه داشته باشد که آنچه میشوند بنویسد چنانچه از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) منقول است که وقتی برای هلال بن یسار علم و دانش تقریر میفرمود. فرمود آیا با تو قلمی هست (که هر چه میشنوی بواسطه قلم مقید کنی که

ص: 80

1- (122) من جمله قول حضرت صادق علیه السلام است که به ابی بصیر فرمود چه مانع شده شما را از نوشتن و حال آنکه حفظ کردن شما منوط بنوشتن است بدرستیکه جماعتی از اهل بصره از پیش من خارج شدند و چیزهایی که پرسیده بودند نوشتند (یعنی باید شماها نیز اینطور باشید). (123) و ایضا از آن حضرت منقول است که فرمود بنویس و پراکنده کن علم خود را بین برادرانت و اگر مردی کتابهای خود را بیچه های خود ارث بده چون بر مردم زمان سختی بیاید که مأنوس نگردند جز بکتابها. (124) و ایضا از آن حضرت منقول است که فرمود حفظ کنید کتابهای خود را چون زود باشد که بآنها محتاج شوید. (125) و ایضا از آن حضرت نقل است که فرمود اعراب بگذارید احادیث ما را چون ما جماعتی هستیم از فصحاء. (126) و نیز از آن جناب رسیده که دوستی و وصلت بین برادران در حضر بزیارت یکدیگر رفتن است و در سفر بکاغذ نوشتن.

فصل یازدهم: در چیزهاییست که موجب حفظ و نسیان می شود

در چیزهاییست که موجب حفظ و نسیان می شود و قوی ترین سبب برای حفظ. جدیت کردن. و غذا کم خوردن. و نماز شب را به خضوع و خشوع بجای آوردن و قرائت قرآن نمودن است. خصوصاً قرائت قرآن که بعضی فرموده اند هیچ چیزی بیشتر از قرائت قرآن مؤثر در حافظه نیست خصوصاً آیه الكرسي. و البته از رو قرآن خواندن افضل است تا از حفظ خواندن.

چون رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود افضل عملهای امت

ص: 83

1- (127) و ایضا از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) منقول است که فرمود چیزی سخت تر بر شیطان از خواندن قرآن از روی مصحف نیست. (128) و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرکس قرآن را از روی مصحف بخواند از چشمش لذت بسیار خواهد برد و گناهان پدر و مادرش سبک خواهد گشت اگر چه کافر باشند. (129) و ایضا از آن حضرت منقول است که از روی مصحف قرآن خواندن موجب سبک شدن عذاب از پدر و مادر است اگر چه پدر و مادر کافر باشند. (130) اسحق بن عمار گفت خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم فدایت شوم من همه قرآن را حفظ دارم آیا از حفظ بخوانم افضل است یا از روی مصحف حضرت فرمود بلکه از روی مصحف خواندن افضل است آیا ندانسته ای که نظر کردن در قرآن عبادت است.

نمودن و غسل آشامیدن و کندر با شکر خوردن است. و بیست و یکدانه کشمش سیاه در هر روز میل نمودن موجب حافظه میگردد و شفا میدهد از امراض بسیاری و قاعده کلی آن است که هر چه بلغم و رطوبات را کم کند حافظه را زیاده میکند و هر چه بلغم و رطوبات را زیاد کند نسیان را فراوان میکند و از چیزهاییکه موجب فراموشی میگردد گناه و بسیاری غم و اندوه در امر دنیا میباشد چون غم دنیا ضرر و نفعی ندارد جز آنکه قلب را تاریک میکند و غم آخرت قلب را نورانی مینماید و تحصیل علم هم و حزن را برطرف میکند. و خوردن گشنیز و سیب ترش و نظر نمودن بدار آویخته و خواندن سنگ قبرستان و گذشتن از بین قطار شتر و شپش را زنده زمین انداختن و حجامت بر تیره کمر نمودن همه اینها باعث فراموشی میشود.

فصل دوازدهم: در اموریست که موجب زیاد شدن رزق و عمر

در اموریست که موجب زیاد شدن رزق و عمر و نقصان آن می شود البته طالب علم ناچار است از قوت و (طعامی که از گرسنگی خود را حفظ و جلوگیری نماید).

و باید بشناسد چیزهائی را که باعث زیادی عمر و کمی آن و صحت بدن میباشد تا اینکه در طلب علم فارغ البال باشد و در هر یک از اینها کتابی تصنیف و تألیف شده پس بعض آن امور را ما بطور اختصار بیان میکنیم.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود رزق زیاد نمیشود و قدر را رد نمیکند مگر دعا و عمر را زیاد نمیکند مگر احسان و نیکوئی پس با این حدیث شریف ثابت شد که

ص: 86

ارتکاب معصیت موجب حرمان رزق میشود خصوصا دروغ باعث فقر میشود و حدیثی هم در این باب وارد شده و همین طور است در حال جنابت صحبت (جماع) نمودن و زیاد خواب رفتن و برهنه خوابیدن و برهنه بول کردن و در حال جنابت چیز خوردن و خورده نان را کوچک و حقیر دانستن و سوزانیدن پوست پیاز و سیر و شب خانه را جاروب کردن و خورده قلم را در خانه وا گذاشتن و جلو پیرمردان راه رفتن و پدر و مادر را باسم صدا کردن و به هر چوبی دندان را خلال نمودن و بخاک گل دستها را شستن و توی آستانه نشستن و تکیه بیکی از دو لنگه درب دادن و وضوء در جای بول و غائط گرفتن و لباس را در بدن دوختن و صورت را با لباس خشک نمودن و خانه عنکبوت را در منزل گذاشتن و سستی در نماز کردن و از مسجد بعجله بیرون رفتن و اول صبح بازار شدن و آخر از همه برگشتن و از گداها

خرده نان خریدن که از مردم بسؤال گرفته اند و نفرین در حق پدر و مادر کردن و ظرفها را نجس گذاشتن و با دهن چراغ را خاموش کردن همه اینها باعث فقر و کم رزقی میگردد که از آثار و اخبار فهمیده شده و همچنین با قلم گره دار چیز نوشتن و با شانه شکسته شانه کردن و پدر و مادر دعا نکردن و نشسته عمامه به سر گذاشتن و ایستاده زیر جامه پوشیدن و بخل و تنگ گیری کردن و اسراف نمودن و کسل شدن و سستی نمودن در کارها که همه اینها باعث کم رزقی میشود .

و از حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) منقول است که رزق را بصدقه دادن طلب کنید و اول صبح پی کاری رفتن مبارک است و تمام نعمتها را زیاد میکند خصوصاً رزق را و نیکوئی خط کلید رزق است و نیکوئی در سخن نیز رزق را زیاد میکند.

و از امام حسن علیه السلام منقول است که فرمود ترک

ص: 88

نمودن زنا و جاروب کردن گردآگرد خانه و شستن ظرفها جلب میکند غنا و بی نیازی را قوی ترین سبب برای جلب رزق پیداشتن نماز است از روی تعظیم و خشوع و سوره واقعه خواندن خصوصا وقت خواب و سوره یس و تبارک الذي بیده الملک در وقت صبح و حاضر شدن بمسجد قبل از اذان. و همیشه با طهارت بودن و نماز شب و نافله صبح را در منزل بجای آوردن و سخن بکلام لغو نگفتن همه اینها جلب میکند رزق را.

بعضی فرموده اند کسی که بکلام بیهوده مشغول شود چیزهای با فائده از دستش میرود.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود چون عقل کامل شود کلام کم گردد.

و چیزهاییکه عمر را زیاد میکند (چند چیز است) اذیت نکردن و احترام به پیر مردان نمودن و صله رحم و دوری از بریدن و ریشه کن کردن درختان مگر در

ص: 89

تقریظ استاد معظم حضرت آیه الله فانی قدس سره

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد و اله اجمعين چون تهذيب اخلاق و تزكيه نفس در تحصيل علوم شرعيه بشهادت اخبار كثيره فوق العادة لازم است. و لذا علماء سالفين قدس الله ارواحهم الشريفه در تهذيب اخلاق محصلين علوم دينيه جهد و كوشش فراوان داشته اند و بلكه در اين باره كتبي تأليف فرموده اند و از طرف ديگر در زمان حاضر شياطين انسي و جنى و مظاهر حياتى دست بهم داده و اخلاق ابناء زمان را فاسد کرده اند بر طالب علم لازم است در صدد تهذيب نفس برآيد و تأمل در كلمات علماء و مطالعه آثار اخلاقى آنان نمايد و

ص: 92

بنابراین مطالعه کتاب مستطاب هداية الطالبین که جناب مستطاب قرة العین علم و تقوی آقای سید محمود موسوی اصفهانی دهرخی دامت تسدیداته برشته تحریر درآورده اند برای عموم طلاب و اهل علم و بالاخص مبتدیان مفید و شاید لازم باشد و ما از خداوند جلت عظمته دوام توفیق مؤلف معظم را مسئلت کرده و این موهبت را بایشان تهنیت می گوئیم.

26 رجب المرجب سنه 1377

الاحقر سید علی علامه فانی اصفهانی

ص: 93

مقدمه... 3

کلام مرحوم خواجه... 4

فصل اول در بیان فضل علم... 5

مذمت علم نجوم... 12

فصل دوم در نیت است... 17

مذمت طمع... 18

مذمت کبر... 20

فصل سوم در اختیار علم و استاد است... 24

مدح خداشناسی است... 24

مذمت کسالت... 28

مذمت یار بد... 29

فضیلت طهارت و وضوء... 31

شاگرد نزدیک استاد نشیند... 33

مذمت بدخلقی... 33

فصل چهارم در جدیت است... 36

ص: 94

باید طالب با همت عالی باشد...37

کسالت از بلغم است...38

فضیلت مسواک...39

مذمت پرخوری...42

فصل پنجم در ابتداء شروع بدرس است...45

مقدار درس...45

مذمت بخل...51

اول کسب یاد بگیرد...52

درس روز چهارشنبه را پنج مرتبه تکرار کند...54

فصل ششم در توکل است...56

مدح توکل...56

فضل علم فقه...58

فضل قرآن...60

فضل علم حدیث...61

فصل هفتم در اوقات تحصیل است...64

فصل هشتم در مهربانی و نصیحت است...66

در مذمت حسد است...66

سزاوار است که طالب با کسی نزاع نکند...69

اصلاح نفس...69

ص: 95

فصل نهم سزاوار است طالب علم همیشه استفاده کند...72

آنچه حفظ شود فرار می کند...72

مدح نوشتن...72

وجود پیر مردان را غنیمت شمارد...73

علم بذلت بدست میاید...74

فصل دهم در ورع است...75

در مذمت غیبت است...76

مدح رو بقبله نشستن است...79

کسی که سستی در مستحبات نماید محروم می شود از واجبات...80

سزاوار است نماز زیاد بخواند...80

همیشه اوقات دفترچه همراه داشته باشد...80

آیا با تو قلمی هست...80

مدح نوشتن...81

اعراب گذارید احادیث ما را...81

فصل یازدهم در چیزهاییکه موجب حفظ و نسیان می شود...83

از روی قرآن خواندن افضل است...83

ثواب از رو قرآن خواندن...84

فصل دوازدهم در اموریست که موجب زیاد شدن رزق و عمر می شود...86

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

